

## خود فروشی ، و منوچهر گنجی

# یا

## مکتب اخلاق دکتر گنجی

(قسمت اول)

امیر فیض- حقوقدان

مانده ام که تیتیر این تحریر، از بین خودفروشی ویا مکتب اخلاقی دکتر گنجی کدام انتخاب شود که هر دو لایق این تحریر است.

خودفروشی که یکی از عناوین تحریر است دارای دو معنای یکی خودستایی و تعریف از خود، لاف زدن و خود را بزرگ نشان دادن است به دیگران، که از صفات مذموم شناخته شده چنانکه حافظ هم بیت خاصی دارد که میخوانیم:

می خوار ورنند باش و خود نماباش می نوش که در طریقت ما به ز خود فروشی است

معنای دوم آن متعلق به زن فاحشه است که با آنکه میداند عملش فحشاء است معهذا بدنش را در اختیار دیگران قرار میدهد.

مصاحبه اخیر آقای شهرام همایون با آقای دکتر! منوچهر گنجی که در تاریخ ۱۰/۳۰/۲۰۱۲ انجام شده ماهیتی دارد که هر دو معنای خود فروشی را متضمن است.

نخست این توجه مجمل بجاست که، بدور از اخلاق و رغبت است که انسان هموطن خودش رابه صفات نحس و عادات مذموم متصف کند ولی رواج عدالت و پاسداری از آن، لازم میسازد که خویان از بدان جدا و بدان از خوبان دور شوند و به غیر این طریق که اساس قضا و حراست جامعه بر آن قرار گرفته است سلامت جامعه ممکن نیست.

کلید حفظ منافع جامعه، سختگیری و عدم گذشت در مقابل خائنین است. اگر این کلید در جای صحیح خود حرکت نکند و درهای خیانت و خدمت را بدون دلیل و منطق و صرفا بر اساس شایعه، دوستی، دشمنی و غیره باز کند و یابیه بندد جامعه حکم بلبشویی خودش را صادر کرده است.

در اردیبهشت سال ۱۳۶۳ سنگرمقاله ای داشت تحت عنوان (بالهای مبارزه) که بطور مشروح لزوم حساسیت جامعه نسبت به اشخاص خیانتکار و واکنش های لازم بیان شده است، در آن مقاله داستانی از بهرام گور آورده شده که بمناسبت همبستگی باموضوع این تحریر به انتقال آن میرویم.

گویند روزی بهرام گور با لباس مبدل به شهرگردی پرداخت ناگهان دید بردر خیمه ای پوست سگی آویزان است علت را از صاحب خیمه پرسش کرد، صاحب خیمه گفت: حوسیلله زندگانی من گوسفندانی بود که در این مراتع میچریدند و این سگ (اشاره به پوست سگ) از گوسفندان حراست میکرد و من و چوپان در اندیشه توسعه کار بودیم روزی چوپان آمد و گفت امروز یک راس از گوسفندان طعمه گرگ شده است. فردا نیز این موضوع تکرار شد. پس فردا هم بهمچنین من به سگ بدگمان شدم، من و چوپان بادقت کامل مسیر سگ را تحت مراقبت قرار دادیم دیدیم که سگ با چند گرگ ماده ارتباط جنسی برقرار کرده و برای ارضاء شهوات خود، دست آنها را در ربودن و کشتن گوسفندان باز گذارده است و این ضرر از این

**جهت متوجه مابود که مابیش از اندازه به سگ خودمان اطمینان داشتیم. من سگ را فوراً سربریدم و به این صورت در آوردم تا مردم بدانند هر کسی که امین مقامی باشد ولی در کار خود خیانت ورزد سزای او همین است که برسگ رفت.**

(گرفته شده از کتاب پیروزی مردان جهان)

### خود فروشی در مصاحبه اخیر آقای منوچهر گنجی

مصاحبه آقای گنجی که بوسیله آقای شهرام همایون برنامه ریزی شده با خودستانی ها و بزرگ جلوه دادن و لاف زدن های در غربت و تعاریف فوق العاده آقای گنجی از خودشان همراه و با کمک پیش ساخته شده آقای شهرام همایون بخش مهم و مقدماتی مصاحبه را تشکیل داده است.

موضوعی که باحالت استعجاب! مورد سوال آقای شهرام همایون از منوچهر گنجی قرار گرفت تا ایجاد اعتبار و شخصیت برای او بشود، این بود که «شما <آقای گنجی> در دولتهای آموزگار - شریف امامی و هویدا مقام وزارت داشته اید و این از موارد عجیب و استثنائی است»

برای تکمیل عجب! آقای همایون این اشاره بجاست که آقای ریگان در اردیبهشت سال ۱۳۵۷ = ۲۵۱۷ = ۱۹۷۸ (قبل از ریاست جمهوری) برای یک سفر غیر رسمی به ایران آمد و در حصارک شمیران در ویلای اختصاصی آقای اردشیر زاهدی میهمان و پذیرائی شدویکی و یادو بار هم حضور شاهنشاه ایران شرفیاب شد در جلسات گفتگوی با آقای ریگان سفیر آمریکا و آقای داریوش همایون و همین آقای دکتر منوچهر گنجی حضور داشتند. (روز شمار انقلاب اسلامی جلد سوم ۲۳۴)

و در کلامی دیگر همین آقای دکتر گنجی که در هر کابینه ای در جریان بحران ایران حضور داشتند در سفر خصوصی آقای ریگان به ایران در سال ۵۷ یعنی روزهای بحران هم حاضر و ناظر بوده اند.

پاسخ این معما را ممکن است آقای شهرام همایون و یا منوچهر گنجی در شخصیت علمی آقای گنجی بدانند ولی پاسخ معما را آقای رابرت دریفوس در کتاب <گروگان خمینی> چنین آورده است.

<از سال ۱۹۷۵ ببعده انستیتوی اسپن Aspen اغلب با وزارت آموزش ایران روابطی داشت آنها توانستند مامور خود منوچهر گنجی را به مقام وزارت در این وزارتخانه برسانند گنجی باعث شد که کسانی چون ماروین زونیس به ایران راه پیدا کند..... (۲۷۵)

پرفسور نصر و جمع دیگری از جمله منوچهر گنجی نقش مهمی را در گرفتن کمکهای مالی از فرج برای تامین مخارج پروژه های کلوب رم Club Rome بازی کردند یکی از این طرحها پروژه مدل قرارداد اقتصاد ایران بود که بر اساس گزارش منابع آگاه آقای سید حسین نصرتوسط شاگرد و مرید خود آقای هوشنگ نهاوندی که در آن زمان رئیس دانشگاه تهران و مشاور فرج بود توانست میلیونها دلار از فرج کمک مالی به تنوریسین فرانسوی <روژه گارودی> و انستیتوی او بنام دیالگ تمدن ها بپردازند <در نشریه کلوب رم خواندم که مبلغ مزبور را ۲۰ میلیون دلار نوشته است> (صفحه ۲۷۹).

برای آقای شهرام همایون نباید حضور آقای گنجی در سه کابینه عجیب باشد مهندس شریف امامی هم در کلیه سازمان ها و بنیاد های دولتی حضور اداری در حد ریاست هیئت های امانا را داشت چرا؟ زیرا فراماسون بود و به انگلستان مربوط میشد، در حدی که شاهنشاه هم این مشکل را میدانستند دکتر علی امینی هم و بسیاری دیگر.....

برخی از اشخاص ایرانی که در موقعیت های سیاسی مشخصی حضور داشتند، یا منتسب و وابسته به انگلیس بودند و یا آمریکا. به کتاب رابطین مورد اعتماد آمریکا از مجموعه اسناد سفارت آمریکا مراجعه فرمائید که مستند عرض مزبور است.

## دکان نانوائی

در راستای کمک و زمینه سازی برای اعتماد و ایجاد شخصیت، آقای منوچهر گنجی مسئله نانوائی خود را مطرح ساخت که نمودی از خود کفائی و اتکای بنفس ایشان به حساب آید.

این اشاره برای تکمیل اطلاعات آقای شهرام همایون لازم است که در سابق عاملین بیگانه و خاصه جاسوسان آنها به مشاغلی معمول و شناخته شده مشغول میشدند که سوء ظنی ایجاد نشود، از باب مثال مالارد جاسوس انگلیسی در ایل بختیاری شغلش دعا نویسی بود و وقتی ماموریتش تمام شد گفت: <زن بختیاری ام را با یک الاغ عوض کردم و رفتم> <فریمین = نام اصلی اش را بیاد نیاوردم> که سالها برای سفارت انگلیس جاسوسی میکرد نانوائی سفارت روس در تهران بود که یکمک انگلیس از ایران فرارویه آن کشور رفت و بنده در لندن او را دیدم و او از ایام خودش صحبت کرد. (جریان دریکی از سنگرها همان زمان منتشر شد)

همین کرزای عامل آمریکا رستوران داشت در حالیکه مامور سازمان سیا در شرکت نفت آمریکا بود. همان محمد رضا مدحی که مامور جمهوری اسلامی بود تاجر الماس معرفی شده بود نانوائی منوچهر گنجی هم از همان باب بود.<sup>۱</sup>

ولی رویه مزبور پس از جریان ۸۸ ایران و فرار گروهی همچنس باز و اصلاحیون و ولگردان و پناه به آمریکا دیگر تظاهر به شغل و اشتغال از گردونه خارج شد و آن افراد بسته های سیاسی که متضمن وجه نقد و دیگر مزایاست از آمریکا دریافت میکنند و یا علنا در دستگاہای وابسته به سازمانهای اطلاعاتی آمریکا پادویی میکنند.

## فحشاء در عمل آقای گنجی

عرض شد که فاحشه به کسی اطلاق میشود که با علم به ماهیت فحشاء به آن عمل مبادرت میکند. آقای منوچهر گنجی در اسناد سفارت آمریکا کتاب رابطین خوب، اینطور معرفی شده است: <او در محافل آمریکائی اینجا بیش از آنچه که معمول است در معرض دید قرار گرفته است او دارای جاه طلبی های سیاسی است او با شاهدخت اشرف در ارتباط با حقوق بشر سفرهائی انجام میدهد در جریان بحثی که در خانه من با آقای شب استون از بنیاد فورد داشتیم آقای گنجی گفت <اگر ما طرف آمریکا را بگیریم حتی در باره مسئله ای که ماهمه میدانیم که حق با ایالت متحده است این امر همه کارها را خراب خواهد کرد> (صفحه ۱۵ رابطین خوب)

<هر مبارزه و تلاشی که آلوده به نام آمریکا باشد در ایران با شکست روبروست و بارسوائی و ننگ همراه است> (دکتر گنجی سال ۸۵)

استناد به اظهارات ایشان از این باب است که او دقیقا به قبح عملش در تماس و جانبداری از آمریکا واقف بوده است و میدانسته که او و یا هر کس که طرف آمریکا را بگیرد کارها خراب خواهد شد بنا بر این تظاهر ایشان به اینکه برای نجات ایران در خدمت به آمریکا قرار گرفته و به ماموریت های محول آن کشور اقدام کرده نا وارد است زیرا خود او میدانسته که نه تنها در خدمت آمریکا قرار گرفتن به نجات ایران مربوط نمیشود بلکه بطور حتم همه کارها خراب و با ننگ و رسوائی همراه خواهد شد.

در این معادله، فراموش نشود که آقای گنجی مقام ریاست دانشکده حقوق را داشته یعنی کسی است که به حکم قانون و آنچه که در ذم همکاری های غیر قانونی بایگانه گفته است دقیقا آگاه است.

بنابراین دستمزد های دریافتی ایشان از آمریکا (سازمان سیا) حکم همان دستمزد هائی را دارد که یک زن فاحشه با علم به اینکه نزدیکی و خدمت جنسی به مرد اجنبی و دریافت پول حیثیت و اعتبار او را بر باد میدهد به آن کار تن میدهد.

<sup>۱</sup> - یک شعبه یخ و نوشابه فروشی درست روبروی در ورودی سفارت روسیه در تهران قرار داشت که کارمند سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) بود و هم او رابطه ای که برخی افسران ارتش ایران با روس ها داشتند و منجر به دستگیری آنها شد را رد یابی کرده بود. دستگیری بزرگترین جاسوس روسیه سرلشکر احمد مقربی. ح-ک

در اینجا یک تفاوت عمده ای برق میزند که بی توجهی به آن ممکن نیست.

**زن فاحشه اعتبار شخصی خودش را معامله میکند و کسانی که با علم و آگاهی بنام نجات ایران در خدمت به بیگانه قرار میگیرند اعتبار مبارزه و شرف و حیثیت کل ایرانیان را مورد معامله قرار میدهند زیرا خودشان میدانند که عمل آنها بطور حتم همه کارها را خراب و ننگین خواهد کرد.**

خیلی فرق است بین گناهکاری که با علم و اطلاع به ماهیت عمل جنایتکارانه، سالهای سال به آن عمل مبادرت کرده و حالیه هم ادامه میدهد و مباحثات هم میکند با کسی که غفلتا از سرنا آگاهی به این راه کشیده میشود و با آگاهی از قبح عمل، اظهار ندامت میکند، متأسفانه عمل آقای گنجی بر پایه های قصد و اراده و علم و آگاهی قرار گرفته است و این مقوله تا آنجا به سرشکستگی ما ایرانیان کشیده میشود که آقای گنجی در کنار فخر آور و منوچهر محمدی شناخته میشود.

### **ماهیت همکاری آقای گنجی با آمریکا**

آقای گنجی با آنکه میدانسته که همکاری و خدمت به آمریکا کارها را خراب میکند و ننگ آور است، معذرا به مجرد خروج از ایران از آمریکایی ها میخواست که کاری انجام دهند (جلد ۶۸ صفحه ۱۶۹)

شما خواننده محترم این تحریر، تصور میفرمائید که مقصود گنجی از انجام کار توسط آمریکاییها چیست؟ لابد فکر میکنید که چون وزیر دولت شاهنشاهی ایران بوده و با کمک و حمایت و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی و علیا حضرت به مدارج ترقی و موقعیت های اداری برجسته رسیده (اسناد سفارت آمریکا همان جلد ۶۸) خواهان کمک به براندازی جمهوری اسلامی است؟ ولی خیر، غرض و مقصود او را در اظهاراتش به هنری برشت مدیر قسمت میز ایران میخوانیم:

«از گنجی پرسیده شد ما چه بایستی بکنیم؟ او گفت باید دنبال کسی بگردیم و حمایتش کنیم که بتواند منافع ما را (یعنی آمریکا و خودش) را بعد از خمینی حفظ کند، وقتی گفتیم که هیچیک از گروههایی را که ماشناسانی کرده ایم از تشکیلات و حمایت و هدف واقعی برخوردار نیستند، گنجی گفت: چنین کسانی وجود دارند و از افرادی نظیر شریعتمداری و تیمسار فرید رئیس ستاد ارتش خمینی نام برد و گفت آنها به آمریکا علاقه دارند و بطور جدی مخالف کمونیست هستند، اگر آمریکا حامیانش را ز دست بدهد پیروزی از آن چپی ها خواهد شد، او فکر میکرد که دکتر یزدی شخص با نفوذی است که میتواند جای بازرگان که ضعیف است را بگیرد اما گنجی پیشنهاد کرد که ما نباید دکتر چمران را از نظر دور داشته باشیم او فردی است ایرانی که در لبنان در تبعید بسر برده و در حال حاضر از دیگر رهبران ایرانی خیلی باهوش تر میباشد. در بحث و گفتگوی دوساعته گنجی مرتباً تکرار میکرد که آمریکا بایستی در ایران فعال شود و گرنه ایران را با قصور و غفلت از دست خواهد داد.» (همان جلد ۶۸ صفحه ۱۷۰ و ۱۷۲)

**ملاحظه فرمودید که هدف منوچهر گنجی حفظ جمهوری اسلامی به زعامت و رهبری امثال یزدی و چمران و تیمسار فرید رئیس ستاد ارتش خمینی بوده است و نگرانی او از بین رفتن منافع آمریکا بوده است نه ایران و در مذاکرات او با مامورین آمریکایی چیزی که اصلاً مطرح نبوده ایران ورژیم سلطنتی و لینتت او بوده است.**

عبارت «وگرنه آمریکا ایران را با غفلت و قصور از دست خواهد داد» نشان نگرانی او از بین رفتن نفوذ آمریکا در ایران است نه هویت ملی ایرانیان و نظام سنتی و قانونی سلطنت مشروطه.

**حاشیه - تنها کسی که در کنار آقای منوچهر گنجی نگران از بین رفتن ایران برای آمریکا بوده آقای قاضی سعید است که در عصر امروز نوشت «ایران سهم آمریکاست» (پایان حاشیه)**

خواننده محترم این تحریر، با نام آن شخص آمریکایی گفتگو کننده با آقای دکتر گنجی آشناست، او همان هنری برشت است که طرح مشهور وزارت خارجه آمریکا مبنی بر پایان رژیم سلطنتی ایران و عدم قبول انتقال سلطنت و ممنوع بودن

خانواده سلطنتی ایران رادرمبارزه به شاهنشاه ایران ابلاغ کرد، و ابلاغ کننده هم آقای هوشنگ نهاوندی و محل ابلاغ هم مکزیک بود.

### دستمزد گنجی برای چه کاری بوده است

آقای گنجی از دستمزد ماهیانه ۱۸۰ هزار دلار سازمان سیا در مصاحبه مزبور صحبت کرده است، و با سابقه ای که از ایشان ارائه شد باورکردنی نیست که برای توصیه فعال شدن آمریکا در ایران این چنین دستمزد سنگینی مرتباً در طول سالها به ایشان پرداخت شود، پاسخ این ابهام را اسناد و شواهد موجود چنین توضیح میدهد:

آمریکا به کرات به ایرانیانی که برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی به مامورین آمریکائی در سفارت ایران و یا سایر سفارتخانه های آن کشور در اروپا رجوع میکرده اند قرارشان از همکاری کسب اطلاعات دقیق از موقعیت و نام و محل اقامت و دوستان کسانی است که در مخالفت با جمهوری اسلامی شهرت دارند و این تاکید به آنها داده شده است که اگر در دادن این اطلاعات آمادگی ندارند تماسها قطع خواهد شد (از جمله تماس سرهنگ عقیلی پور بامامورین سفارت آمریکا در خارج = اسناد سفارت) (علاقمندان به اطلاعات بیشتر به مقاله <اجلاس واشنگتن - پشت پرده مبارزه سنگراول آذر سال ۱۳۸۴ رجوع فرمایند) و برای جلوگیری از اتلاف وقت خوانندگان به این سند استناد میشود.

سرهنگ حمید شیرازی در ملاقات اول خود بامامورین سفارت آمریکا در ایران با ابراز وفاداری نسبت به شاهنشاه ایران گفت اگر از نظر آمریکا مطلع شود میتواند کمک باشد، اسناد سفارت گویاست که او اطلاعات مفیدی را از وضع جمهوری اسلامی در اختیار سفارت قرار میدهد و گزارش سفارت هم از کاردانی و لیاقت و اصالت در اظهاراتش گواهی میدهد، بعد از چندی بوسیله جمهوری اسلامی بازنشسته میشود.

اکنون به اظهار نظر مامور اطلاعاتی آمریکا در مورد سرهنگ مزبور توجه کنید:

<تخلیه اطلاعاتی از ک-۱ (سرهنگ شیرازی) نشان داد که در موقعیت او بعنوان یک افسر بازنشسته امکان دسترسی به اطلاعات مفید وجود ندارد و به این ترتیب فایده آشکاری در تماس با او در این موقع وجود ندارد حتی اگر خودش هم علاقمند باشد لذا او را کنار میگذاریم >

(جلد ۶۸ صفحه ۳۸)

ملاحظه میفرمائید همینکه افراد خود فروخته به آمریکا تخلیه اطلاعاتی شدند و یا قادر به ادامه جاسوسی نباشند کنار گذاشته میشوند درست مانند بردگان که وقتی از کار باز میماندند رانده میشدند و یا چهارپاداران که الاغهای پیر و وامانده را در بیابان رها میکردند که طعمه گرگ شوند. (به اظهارات گله آمیز ایرانیان در خدمت آمریکا در صدای آمریکا و رادیو زمانه هلند رجوع کنید)

### برداشت:

### نظر به اینکه:

از گزارشات و اظهارات آقای منوچهر گنجی نمونه ای از کارهای اجرایی که در ارتباط مستقیم با براندازی جمهوری اسلامی باشد، در دست نیست، و نظر به اینکه کل و جزء فعالیت جبهه نجات که آقای گنجی ماموریت حسابرسی آن جبهه را بنیابت سازمان سیا داشتند معطوف به فعالیت های خبری بوده که آقای شاهین (علیمحمد) فاطمی احد از مسئولین جبهه نجات، سازمانی هم برای کسب خبر تشکیل داده بود (ایشان ضمن نامه ای هم از سنگر درخواست همکاری نمود) و نظریه اینکه فعالیت درفش کاویانی دنباله فعالیت جبهه نجات است، لذا میتوان گفت که فعالیت آقای منوچهر گنجی تحت نام درفش کاویانی جمع آوری اطلاعات از داخل کشور و فعالیت ایرانیان خارج از کشور برای آمریکائیهها بوده است که عنوان حقوقی عمل مزبور ممکن است با شرائطی جاسوسی بنفع کشورهای خارجی شناخته شود.

آقای دکتر گنجی در همین مصاحبه اشاره ای داشت که میتوان آنرا به حساب تابعیت ایشان گذاشت، مقصود آنجاست که او گفت با گذرنامه مصری مسافرت میکند، یعنی هنوز تابعیت ایرانی خودشان را حفظ کرده اند و تابعیت کشور دوم (آمریکا) را نپذیرفته اند.

بنابراین، اگر چنین باشد یعنی ایشان تابعیت آمریکا را نداشته باشند و هنوز ایرانی شناخته شوند در کمال تاسف تطبیق عملشان در ایجاد استعداد سیاسی و اطلاعاتی به آمریکا از مصادیق کامل جرم جاسوسی است، این توضیح بدان جهت لازم افتاد که برخی از حقوقدانان عمل اطلاع رسانی و ایجاد استعداد سیاسی و نظامی و اطلاعاتی بنفع کشور تابعیت دوم را از ناحیه کسانی که تابعیت دوم آنها کشور مستفیض است جرم جاسوسی برای کشور غیر نمیدانند.

مکتب اخلاقی آقای دکتر گنجی به قسمت دوم این تحریر موقوف میشود.